

(تاکتیک و تکنیک آفندی و پدافندی (پارتیزانی

تکنیک: شیوه های فردی و شیوه های عمومی یک گروه

(...تاکتیک: شیوه های همکاری بین واحد های مختلف (فرد، گروه،

من در تمام طول مدت مقاله ام یک حالت فرضی را در نظر میگیرم که بر اساس اون مثال های خودم را بزنم. این حالت فرضی بدین صورت است که ایران توسط کشوری به نام ایکس مورد هجوم واقع شده و شکست خورده و کل کشور و حکومت را تصرف کرده است. این کشور ایکس قصد این را دارد که کشور را تجزیه کرده و زبان و الفبای خودش را جایگزین کند و هویت ایران را از بین ببرد.

حالا گروهی پارتیزان را فرض کنید که میخواهد با اشغال شهری کوچک جنبش مردمی ای را آغاز کرده و بعد از بدست آوردن حمایت های بین المللی در سایه آن کشور را نجات بدهد.

اما برای توضیح این موارد ابتدا به تکنیک ها میپردازم که در مورد آفند و پدافند اکثرا مشترک

تکنیک های جنگ های پارتیزانی

توان بدنی بالا از مهمترین پیشنیاز های تکنیک های پارتیزانی هست که اکثرا نادیده گرفته میشه و کیفیت پایینی داره چون که معمولا یک گروه چریکی از افرادی تشکیل شده که بیشتر نظامی نبوده و آمادگی بدنی این افراد تنها به دلیل باور و قصدشان عضو شده و به فعالیت میپردازند. این افراد ممکن .ویژه ای ندارند است پزشک یا کارمند بوده باشند و به دلایل شخصی و دردناکی مانند تجاوز و قتل همسر و دخترانشان توسط سرباز های ایکسی یا کشته شدن اعضای خانواده در بمباران و غیره تمایل به جنگیدن تا حد مرگ پیدا کرده باشند و یا ممکن است تنها حس وطن پرستی آنها را به گروه چریکی کشانده باشد

همیشه باید در نظر داشت که این افراد وظایف مربوط به خودشان را در حد و حدود توان بدنی و اراده شان داشته باشند. آن کارمندی که در جلوی چشمش زن و تنها دخترش را مورد تجاوز و قتل قرار داده اند باید وظایف و آموزش هایی جدا از آن پسری داشته باشد که پدرش در بمباران کشته شده و یا جدا از آن فروشنده ای باشد که در جریان بمباران تمام مغازه و سرمایه اش ویران شده است. از اصلی ترین وظایف هر رهبر چریکی این است بداند دقیقا هر کس چرا به گروهش ملحق شده و تا کجا می تواند پایش را جلو بگذارد و از خود گذشتگی کند

از اصلی ترین آموزش هایی که در بدو ورود هر عضو به گروه باید داده شود آموزش کار با اسلحه است. در یک قانون نا نوشته جنگ های چریکی است Ak-47. مورد انتخاب و خرید اسلحه خودتان را خسته نکنید

زیرا هر دلالی آن را دارد و با هر سرمایه ای اندک گروه می تواند اعضایش را مسلح کند. گیر نمیکند. ارزان است. خراب نمی شود. داغ نمی کند. آموزش کاربری اش به یک کودک هم Ak-47 دیوار و استحکامات شهری و تنه درختان در جنگل. دقیقه بیشتر زمان نمیخواهد. قدرت آتش مرگباری دارد (محل بیشتر جنگ های پارتیزانی) اصلا محل مناسبی برای پناه گرفتن از مرمی های سنگین و مرگبار این اسلحه نیست و در آخر اینکه مهمات آن را از هر کشوری و هر دلالی میتوان خرید

از اصلی ترین آموزش هایی که در مورد سلاح باید به پارتیزان ها داد صرفه جویی در مصرف مهمات است. باید در تمام طول مدت آموزش کاربری سلاح به حالت تک تیر باشد. در تمام طول درگیری باید کاربری سلاح به حالت تک تیر باشد و شلیک فقط و فقط در زمان لازم باید انجام شود. آموزش هایی که باید به هر پارتیزان داده شود شامل جنگ تاخیری، سنگر به سنگر، به دام اندازی دشمن، جنگ انحرافی و سایر موارد هستند که همگی آن ها ترجمه خودم (شاید اشتباه) از کلمات و اصطلاحات انگلیسی شان هستند.

تکنیک های فردی لازم برای جنگ تاخیری شامل آمادگی بدنی بالا، کاربری به موقع و صحیح اسلحه و تا حد ممکن عقب نگاه داشتن سیل آفندی دشمن، از پیش تعیین کردن جان پناه های نزدیک به هم، جهت یابی موثر و سریع و غیره است.

جنگ تاخیری به جنگی گفته می شود که هدف از آن خریدن زمان برای سایر گروه ها می باشد. در حالت کلاسیک این جنگ شلیک مهیب و پر حجم آتش و عقب نشینی خط به خط نیرو ها را شامل می شود. اما در یا مناطق دیده بانی مناسب و Vantage Point جنگ های پارتیزانی این نوع عملیات شامل پناه گرفتن در مستقر در محل است که هر فرد باید خودش به تنهایی خطوط عقب تر و جان پناه ها و مناطق دیده بانی عقب تر از خودش را مشخص کرده و در آنها حتی مهمات ضروری برای خودش ذخیره و پنهان کند. پارتیزان نباید در جریان عقب نشینی وابسته به سایر اعضای گروه باشد زیرا آنها ممکن است کشته شده باشند. او نباید در جان پناهی منتظر سایر اعضا باشد و باید در زمان مناسب آنجا را ترک کند.

...مثالی میزنم تا کمی وضعیت را روشن کند

گروهی از یاران در منطقه الف میخواهند محموله ای از مهمات و اسلحه ارتش ایکس را متوقف کرده، اسکادرانی از دشمن با حدود 200 سرباز در منطقه ب مستقر. بر بایند و تمام نفرات دشمن را قتل عام کنند است که در صورت حمله پیش از اینکه فرصتی برای بودن مهمات و تسلیحات باشد با نفرات و خودرو افراد ما را تعقیب خواهند کرد. یک گروه 20 نفره از پارتیزان ها تحت عنوان گروه زمان مسئولیت تاخیر

حرکت اسکادران دشمن را بر عهده داشته و به راحتی می تواند نیم ساعت زمان با ارزش برای یاران بخرد. هر چریک موظف است در مناطق 1 2 3 و 4 جان پناه هایی را مشخص کرده و محل آن ها را به خاطر بسپارد. زیرا اسکادران دشمن از مسیر نارنجی رنگ که یک جاده خاکی است به کمک حامل های مهمات خواهد شتافت.

با توجه به سر بالایی بودن مسیر نارنجی (رجوع کنید به آموزش نقشه خوانی نظامی) کار گروه زمان راحت خواهد بود. هر کس باید از مسیر هایی که دارای پوشش گیاهی و استتار بهتری هستند از خط 1 به 2 و خطوط عقب تر فرار کند.

تاکتیک:

نزدیک به هر Vantage نفر از گروه 20 نفره زمان در خطوط 2 3 و 4 مستقر می شوند و بهترین نقطه 3 خط را اشغال می کنند. علوم تاکتیکی این مسئله را بدین جهت ضرورت میداند که در صورت هلیبورن و حضور سریع و پیش بینی نشده نیروهای ایکس در هر خط به سایر اعضا علامت داده تا از خط درگیری شوند و به گروه یاران نیز اخطار لازم در کاهش Disband فعلی به جهات شمال و جنوب فرار کرده و دیده بانی را گرفته و خود را آماده می Vantage زمان داده شود. 17 نفر باقی مانده در خط 1 تمام نقاط کنند. گروه 4 نفره دیگری به نام انحراف نیز از سمت شمال به اسکادران ایکس حمله کرده و با شلیک به پیش قراولان آنها و فرار، تیز پا ترین و بهترین نیروهای ایکس را وادار می کنند تا از مسیر بسیار پر شیب سبز رنگ آنها را تعقیب کنند. گروه انحراف بعد از فرار پناه گیری نمی کند و فقط با پاسخ آتش به سمت تعقیب کنندگان آنها را از انصراف از تعقیب باز میدارند. 10 دقیقه بعد گروه یاران به ماشین های حامل مهمات حمله می کنند که تاکتیک و تکنیک آن بعدا ذکر می شود

خودروهای حامل مهمات درخواست کمک کرده و اسکادران ایکس به سمت جاده اصلی در مسیر نارنجی حرکت خواهد کرد

گروه زمان با مشاهده نیروهای ایکس به سمت آنها آتش گشوده و پس از غافل گیری با شلیک های تک تیر و شکار چند تا از سربازان آنها پناه گرفته و موضع خود را عوض می کنند. واکنش اسکادران ضعیف شده

های استتار شده به محض Vantage گروه زمان با دیده بانی موثر در .ایکس توقف و پناه گیری است اینکه پیش قراولان ایکس از پناه خارج شده و مجددا حرکت خود را آغاز می کنند مجدا به سمت آن ها آتش گشوده و هر کس پس از شلیک نهایتا 10 تیر مجددا پناه گرفته تا هدف تک تیراندازهای ایکس قرار نگیرد و موضع خودش را عوض می کند. اسکادران ایکس مجددا پناه می گیرد و متوقف می شود. آنها خمپاره های خود را نیز نصب کرده و آغاز به آتش می کنند که این علامت زمینگیر شدن آنها است. در هر صورت به علت بیشتر بودن نفرات آنها نهایتا بعد از ده دقیقه از همه جهت به خط 1 نزدیک شده و گروه زمان را در معرض خطر قرار میدهند... این موقع است که گروه زمان در صورت داشتن امکانات فنی تله های انفجاری را کار گذاشته و به حالت نیم خیز و با دویدن تند خود را به محل هایی که در خط 2 تعیین کرده رسانده و مستقر می شوند. ساکادران ایکس خمپاره انداز هایش را در محل جا گذاشته و به مسیر خود ادامه می دهد و پس از دادن تلفات در تله های انفجاری به سمت خط 2 پیش روی میکند

تاکتیک های تاخیری ذکر شده در تمام خطوط دیگر نیز به همین صورت ادامه پیدا می کند تا جایی که پس از از دست رفتن خط 4 اعضای گروه متفرق شده و فرار می کنند یا اینکه با اعلام گروه یاران از محل فعلی درگیری فرار کرده و متفرق می شوند. به یاد داشته باشید که خمپاره اندازهای دشمن همواره از جلوی خط 1 با گراگیری از سایر افراد ایکس به شلیک خود ادامه خواهند داد

با فرض داشتن تنها 2 تک تیر انداز آنها را در مناطق مشخص شده با ستاره مستقر کنید. تک تیر اندازی که در دامنه های پر شیب شمالی است تعقیب کنندگان گروه انحراف را از پا در خواهد آورد و حرکتشان را کند خواهد کرد. در صورتی که خودرویی از تله یاران فرار کرده و مسیر خود را ادامه دهد تک تیر انداز می تواند راننده اش را هدف قرار داده و خودرو را متوقف کند. در نهایت هم بعد از فرار یاران سوار بر خودروهای مهمات از جاده هر خودروی دیگری که بعد از آن دست به تعقیب بزند را با کشتن راننده متوقف خواهد کرد. اگر از 2 تک تیراندازتان یکی ماهر تر و تیزبین تر است... او را برای پست شمالی بر گزینید

تک تیر انداز جنوبی بعد از اینکه سربازان ایکس پادگان خود را ترک می کنند و از محل دور می شوند و درست پس از آغاز شلیک ها در خط 1 به شکار مشغول می شود. او موظف است فرمانده ها و مسئولان مخابراتی را که از پادگان نیروهایشان را حمایت اطلاعاتی و لجیستیکی می کنند هدف قرار داده و ارتباط را مختل کند. همچنین تک تیر اندازان ایکس را مجبور می کند که از گروه جدا شده و به پادگان و اطراف آن

بازگردند تا تک تیر اندازی که پادگان‌شان را تهدید می کند شکار کنند. او همچنین خمپاره اندازهای مستقر (شده ارتش ایکس را شکار می کند (تک تیراندازان ایکس از بالقوه ترین تهدیدات گروه یاران هستند

همواره گروه یاران باید با بسته نگاه داشتن جاده خاکی با موانع مانع از عبور خودرو به پشت سرشان بشوند و بدین صورت اسکادران ایکس مجبور به پیشروی پیاده می شود بدین صورت است که 26 نفر میتوانند 200 نفر را حداقل نیم ساعت زمین گیر کرده و در نهایت بدون درگیری و دادن تلفات سنگین فرار کرده و ناپدید شوند

نتیجه احتمالی بعد از نبرد در صورت به کار نبردن گروه زمان

تلفات بالای گروه یاران
عدم موفقیت در ربودن تمام مهمات
تحت تعقیب قرار گرفتن گروه یاران در جاده

نتیجه احتمالی در صورت به کار بردن گروه زمان

تلفات سنگین حاملین مهمات
موفقیت در ربودن تمام خودروها و قتل عام تمام سربازان ایکس در جاده
(تلفات نسبتا سنگین به اسکادران ایکس، حداقل 20 نفر (احتمال تلفات فرماندهان ارتش ایکس در پادگان
عدم تعقیب گروه یاران سوار بر خودروهای ربوده شده
متفرق شدن و گریز شدن نسبی اسکادران ایکس و عدم دریافت ارتباط صحیح از فرماندهان

نتیجه احتمالی در صورت به کار بردن گروه زمان و حضور ناگهانی (مثلا هلیبورن) نیروهای کمکی ایکس

(تلفات سبک حاملین مهمات و همچنین عدم تلفات در گروه یاران (سریعا با خبر شده و می گریزند
عدم ربودن مهمات و نابودی مهمات ایکسی ها
(تلفات سبک اسکادران ایکس) احتمال تلفات فرماندهان ایکس
گریز و متفرق شدن نسبی گروهان ایکس
شکار شدن چندین راننده و سرباز ایکس توسط تک تیرانداز ها

مثالی که زده شد شرح جامعی از یک عملیات موفقیت آمیز تاخیری و بعضی از تاکتیک های آن بود. پس به

طور اسمی می توان تکنیک های فردی لازم برای این نوع عملیات را شرح داد:

توان بدنی بالا
هدف گیری خوب
جهت یابی موثر
هماهنگی با سایر اعضا برای عقب نشینی به موقع
آشنایی با تله های انفجاری
"آشنایی با تکنیک های \"سنگر به سنگر
... و

و از تاکتیک های لازم می توان به موارد زیر اشاره کرد

... هماهنگی کامل بین اعضا و گروه ها و علامت دادن موثر با بیسیم، منور و یا فشنگ رسام و فرار به خط عقبی در مسیری با بیشترین استتار
فرار به سمت یکی از تک تیر اندازان خودی در صورت جدا افتادن از گروه و تحت تعقیب قرار گرفتن
تعیین محل و زمان ملاقات اولیه و ثانویه اعضا و تغییر آن در صورت اسارت و یا مفقود شدن یکی از اعضا
حضور تک تیر اندازان در اطراف محل اولیه و اعلام محل ثانویه توسط فرمانده به اعضای که در محل اولیه حاضر می شوند
... و

اینجا لازمه که از دوستان عذرخواهی کنم به این دلیل که این مطلب را من هنوز ویرایش نکردم و ممکنه کمی مسائل و موضوعات آن جابجا باشه
الان لازم دونستم که کمی برگردم به عقب تر و در مورد اینکه به اعضا چه آموزش هایی لازم است داده بشه صحبت کنم. خوب این یک بخش را 90% از منابع و تفکرات کوبایی برداشت کردم و به این علت که در هنگامی .اونجا این مسائل بیشتر اتفاق افتاده و بهتر میشه به تجربیات و اتفاقات رخ داده دسترسی داشت
:که کسی گروهی تشکیل داده است لازم است که برای ایجاد پناهگاه از 3 چیز رسما دوری کند

بیابان و یا دشت صاف - 1

مناطق بسیار دور از شهر - 2

مناطق بسیار نزدیک و یا داخل شهر -3

یک رهبر پارتیزان لازم است که همواره در جهت مصالح کشورش عمل کند حتی اگر مسیر این امر خلاف میلش باشد. آموزش هایی که در مورد پارتیزانی داده می شود فقط در مواقعی باید استفاده گردند که دولت فعلی ساقط شده باشد و یا در جهت حفظ نظام باشد. زیرا کسی نمی تواند بیاید ادعا کند وطن پرست است در حالی که سربازانش در حال جنگ و کشتن هموطنانشان هستند. در اصل و تئوری پارتیزان ها مبارزه مسلحانه با دولت جایی نخواهد داشت حتی اگر دولت فاسد باشد. اگر رهبری واقعا در جهت مصالح کشورش لازم می داند با دولت باید مبارزه کند، این مبارزه باید تبلیغاتی باشد و نه مسلحانه. زیرا قربانیان این جنگ کسی جز هموطنانش نخواهند بود و فقط به ضعف کشور می انجامد. این مسئله از باورهای ارنستو چه گوارا است که شب ها برای پارتیزان هایش تعریف میکرد است. وی معتقد است انقلاب وقتی باید مسلحانه باشد (که آن کس که می میرد خارجی وابسته و مزدور است، نه هموطن. (طبق تعاریف سربازانش

وقتی رهبری پارتیزان مقرر مناسبی را برای پنهان شدن انتخاب می کند لازم است که به مواردی دسترسی داشته باشد که از مهمترین آن ها آب آشامیدنی و بازار محلی یا روستایی ای در نزدیکی باشد. مقرر لازم است که حتما توسط راهروهای زیر زمینی راهرو بندی شده باشد و لازم است که در منطقه ای با پوشش گیاهی وسیع باشد. مقرر در تعریف پارتیزانی محلی است که اسلحه و مهمات در آن نگهداری می شود و افراد شناخته شده و تحت تعقیب در آن شب ها را به صبح میرسانند. سایر اعضا لازم است در گروه های کوچک 2 یا 3 یا 4 نفری بدون سلاح همانند کوهنوردان یا گردشگران کمپ زده و استراحت کنند و هر بار محل خود را عوض کنند. آن ها نباید نزدیکتر از 3 یا دورتر از 10 کیلومتر از مقرر خود بخوابند و همواره باید یک نفر در هر گروه بیدار باشد. در روز نیز آن ها نباید به مقرر بروند و باید مانند گردشگران دستوراتشان را انجام دهند که شامل خرید مواد غذایی، لباس و غیره از بازار و یا اطلاع رسانی و انجام تبلیغات در روستاها و شهر های اطراف و یا ... است. (الگویی که من از شیوه زندگی گونریلاهای زیر دست چه گوارا برداشت کرده ام)

رهبر گروه موظف است زمان ها و محل های ملاقاتی را برای اعضا مشخص کند و هر گروه از اعضا را در روزی خاص و زمان خاص گرد آورده و سپس دستورات لازم را از طریق فرماندهان آن گروه به اطلاع آنان برساند. تک تیراندازان پارتیزان در گروه طبقه بندی نمی شوند و مستقیما از رهبر دستور گرفته و با او

هماهنگ اند و فقط در صورت بودن تعداد کافی از آنان، به دسته های 2 نفری تقسیم می شوند، وگرنه کاملاً تنها باید به مأموریت بروند. تک تیراندازان باید تمام اعضای گروه را بشناسند و از محدوده دستورات آنها آگاه باشند. آن ها لازم است همیشه و به نوبت در اطراف مقر اصلی نگاهبانی داده و فقط زمانی شلیک کنند که مطمئن هستند غریبه ای که به مقر نزدیک می شود میدانند به کجا نزدیک می شود و چه میخواهد! تک تیراندازان در صورت کافی بودن تعداد باید یک محدوده امنیتی 3 کیلومتری را در اطراف مقر ایجاد کرده و در صورت مواجهه با گروهی بزرگ به جای شلیک، فقط علامت داده تا اعضا از مقر خارج شوند و ورودی های محل های اسلحه و مهمات را استتار کنند. موارد ذکر شده شامل توجیهاتی است که رهبر باید در ملاقات های حضوری و تک به تک تیراندازان را توجیه کند.

در مورد عضوگیری رهبر لازم است تعدادی از افرادش را تحت عنوان آموزش دهنده در یک مقر ثانویه نسبتاً دور از مقر اولیه و دور از هر گونه شهر یا روستایی مستقر کند. سپس افرادی که تمایل به عضویت دارند توسط سایر اعضا که در شهر و روستا هستند شناسایی شده و به مقر آموزشی برده می شوند. آنجا آنها تحت آموزش قرار می گیرند و به مدت یک ماه اجازه ندارند هیچ گونه ارتباطی با دنیای خارج داشته باشند و در صورت فرار باید بدون تامل و درنگ توسط تک تیراندازان کشته شوند. (به شرطی که این حق انتخاب در اختیار آنان گذاشته شود که در صورت پیشیمانی از عضویت بعد از یک ماه این حق را داشته باشند که بروند). مقر آموزشی نیز بعد از هر سری آموزش کاملاً عوض شده و به جایی دیگر منتقل می شود. این گونه رهبر می تواند مطمئن باشد که

هر عضو بعد از یک ماه آموزش به میل و اختیار خودش مانده است و یا جاسوس است - 1

در طول آموزش مقر آموزشی آنان لو نمیرود و مطمئن است که خودش گاهی به آنجا سر زده و از میزان ذوق و اشتیاق افراد جدید و اولین برخورداران، معتمدین آینده را از میان آنان برگزیند.

در هفته اول آموزش افراد تحت آموزش های عقیدتی و سیاسی قرار میگیرند و در راه هدف و آرمان گروه آماده انجام وظیفه می شوند. آنان همچنین تحت آموزش های عمومی جنگل نوردی و کوهنوردی قرار می گیرند و روش های جهت یابی، هماهنگی با سایر اعضا و روش های زنده ماندن در شرایط وحش را به طور تئوریک یاد میگیرند. سپس در یک روز مشخص (روش مخصوص چه گوارا) (Survival) افراد اصلی به مقر آموزشی آمده و شبانه تمام تازه کارها را دستگیر کرده و در مناطق دور از هم و جداگانه خود را دشمن جا زده و با کتک زدن سعی در استخراج اطلاعات از قربانی (آموزش بیننده) می کنند. آن ها

حتی به آن‌ها وعده آزادی در قبال اطلاعات داده و حتی قسمت‌های کم‌خطری از بدن مانند کف دست یا پا را با چاقو مجروح می‌کنند و واکنش شخص تحت آموزش را می‌سنجند. سپس تمام آن‌ها را برگردانده و قضیه حمله آموزشی را برایشان گفته و بر اساس آن افراد را به 3 دسته تقسیم می‌کنند. دسته اول افرادی اند که 3 هفته دیگر مهمان خواهند بود و بعد آزاد می‌شوند تا بروند و اگر خیلی مایل بودند همکاری کنند توسط یک رابط فقط و فقط در شهر و روستا به کارهای تبلیغاتی مشغول می‌شوند.

دسته دوم افرادی اند که تحت آموزش قرار گرفته و به عنوان عضو عادی پذیرفته می‌شوند. دسته سوم افرادی هستند که حتی بعد از کتک خوردن و زخم چاقو خوردن لب باز نکرده اند و یا مثلاً حتی گفته اند من را هم بکشی نمی‌گویم و غیره... این افراد را جداگانه در حالی که با اعضای اصلی همراهند به عنوان عضو خاص به منطقه ای دیگر می‌برند و در میان راه یک حمله گمراه کننده دیگر به گروه دسته سوم می‌دهد و افراد اصلی می‌شود (توسط عده ای دیگر از اعضای اصلی) در این حمله دسته سوم می‌ها مورد آزمون واقعی قرار می‌گیرند و پس از آنکه اعضا مطمئن شدند او اعدام قلبی یکی از اعضای اصلی توسط تیر مشقی را از دور دیده است وی را نیز به درختی بسته و به او می‌گویند یا حرف بزند یا کشته این آزمون به گروه اطمینان می‌دهد که حرف نزدن اول به دلیل آگاه بودن از آزمون اول نبوده. خواهد شد است. افرادی که در آزمون دوم رد می‌شوند به دسته دوم منتقل می‌شوند. افراد پیروز در دسته 3 می‌مانند و به مقر آموزشی برگردانده می‌شوند.

پس از آنکه اعتماد لازم به اعضای دسته 2 و 3 حاصل شد از آن‌ها شرح حال کاملی گرفته می‌شود که در آن دلیل حضورشان در گروه و وضعیت زندگی و سوابقشان مشخص می‌شود. اعضای دسته 3 که وارد مرحله بعدی آموزش می‌شوند. اما افراد دسته 2 خود به دو گروه تقسیم می‌شوند. که من آن‌ها را 2.1 و 2.9 نام گذاری می‌کنم

اعضای دسته 2.1 افرادی هستند که بر اساس شرح حال و واکنششان در آزمون، به تصمیم رهبر و افراد بسیار نزدیک به رهبر (معمدین) این گونه ارزیابی شده اند که اراده واقعی همکاری با گروه را دارند اما همچنان ترس بر آن‌ها چیره می‌شود و ممکن است حاضر نباشند در شرایط بسیار بد گروه را همراهی کنند. این افراد معمولاً در آزمون واکنشی پر از ترس و استرس داشته اند و هرچند به راحتی به حرف نیامده اند اما زودتر از سایرین در برابر فشار کم آورده اند. شرح حال این افراد نیز معمولاً بدین صورت است که آن‌ها در برابر ارتش ایکس (رجوع کنید به اوایل متن) خانه یا دارایی خود را از دست داده اند، یا اعضای فامیلشان به قتل رسیده اند، یا عشق به وطن بالایی دارند و یا غیره

اعضای دسته 2.9 افرادی هستند که توسط رهبر و معتمدین این گونه ارزیابی می شوند که اراده بالایی برای همکاری دارند و به راحتی از تصمیمشان منصرف نمی شوند. آن ها حاضرند برای گروه تقریباً دست به هر کاری بزنند اما همچنان حاضر نیستند برای آن بمیرند.

این افراد در آزمون واکنشی استوار و محکم داشته اند اما پس از تحمل درد فراوان به حرف آمده اند و یا زود به حرف آمده اند اما اطلاعات دروغین داده اند. شرح حال این افراد معمولاً بدین صورت است که همسر یا یکی از اعضای خانواده خود را از دست داده اند و یا ضربه روحی بزرگی در گذشته و یا حال از ارتش. ایکس خورده اند.

اعضای دسته 3 افرادی هستند که معتمدین آینده گروه را تشکیل خواهند داد و در هر آزمون شاید از 20 نفر یک یا دو نفر در این دسته جای بگیرند. اعضای دسته 3 همچنین شامل جاسوسهای نفوذی احتمالی نیز می شوند. بعدها این افراد باید تحت آزمون و غربالگری قرار بگیرند تا جاسوس بودن یا نبودنشان مشخص شود که بعد ها روش هایی را در این مورد شرح میدهم. شرح حال آن ها معمولاً بدین گونه است که همسر و یا دخترشان مورد تجاوز قرار گرفته و کشته شده اند و یا مثلاً به طرز حقارت آمیزی و برای تفریح سربازان یکی. ایکس به قتل رسیده اند. این افراد معمولاً چیزی برای از دست دادن ندارند و فقط به انتقام فکر میکنند از مهمترین آموزش هایی که بعدها باید به افراد انتقامجو داد حفظ خونسردی و فراموش کردن انتقام آنی و خشن است. زیرا ممکن است جایی به افراد دستور داده شود تا صبر کنند همه دشمن عبور کرده و بعد آتش کنند، اما ناگهان و بی موقع یکی از انتقامجویان آتش کند و ماموریت را خراب کند.

اعضای دسته یک تا آخر آموزش تحت آموزش سیاسی و عقیدتی قرار خواهند گرفت اما سایر اعضا در هفته دوم روش کار با سلاح را خواهند آموخت. در این دوره آن ها باید روش تنظیم اسلحه، مسلح سازی، شلیک، چگونگی صرفه جویی در مهمات و غیره را توأم با آموزش های سخت بدنی پشت سر بگذارند. آن ها باید ساعت ها در جنگل و یا کوه مارش داده شده و دوامده شوند تا ریه هایشان ظرفیت خود را افزایش داده و بدنشان آماده بشود.

آموزش در هفته سوم شامل آموزش های هفته دوم کار گروهی و نحوه هماهنگی با سایر اعضا، پیشروی سنگر به سنگر به کمک آتش پشتیبانی سایر اعضا و آتش پشتیبانی دادن برای نقل مکان سایرین از سنگر به سنگر، حرکت پنهانی در شب، آموزش مکالمه و ارتباط بدون صوت و مهمتر از همه ایجاد تجربه شوک آدرنالین در اعضا است. این تجربه باعث می شود که در شرایط سخت جنگی با آزاد شدن آدرنالین در خون، دستشان کمتر بلرزد و بهتر بتوانند خونسردی خود را زیر آتش مهیب دشمن حفظ کنند. روش های ایجاد تجربه شوک آدرنالینی بسیار است که بعداً شرح می دهم.

آموزش در هفته چهارم شامل آموزش هفته دوم و سوم مناطق اطراف، نحوه کار با سلاح های خاص مانند ، تیربار و غیره می شود که در هر مورد مثلا آر پی جی اگر RPG-7 تک تیرزن های دوربین دار، خمپاره، شخصی فوق العاده عمل کرد وی به عنوان آر پی جی زن در گروه گزینش شود.

پس از یک ماه آموزش اعضا آزاد شده و فرمانده آنان معرفی می شود. سپس زمان و محل ملاقات آن ها با فرمانده شان به آن ها اعلام می شود و آن ها محل را ترک می کنند. اعضای دسته یکی که مایل به همکاری نبودند و اعضای پشیمان شده به شدت مورد تهدید قرار گرفته و تهدید به از دست دادن همسر و یا فرزندان شده و پس از به قول معروف \"شتر دیدی، ندیدی\" رها می شوند.